

کیمیا

یکی از آرزوهای دیرین بشر که در سابق با خیال و خواب و حکایات خود را بدان مشغول میگرد و امروز با تحقیقات علمی و عملی آنرا دنبال می نماید، فرار از زمین و مسافت بکرات سماوی است.

شرح وسعت عالم از موضوع بحث ما خارج و خودمی تواند موضوعی مشخص برای مقاله دیگری باشد ولی همینقدر با اختصار باید گفت «زمینی که مادر روی آن زندگانی می کنیم با تمام بزرگی و وسعتش $1/300,000$ مرتبه از خورشید کوچکتر و منظومه شمسی که تقریباً داران هزار سیاره می باشد یکی از کوچکترین منظومه های عالم است زیرا تنها در منطقه کوهکشان بالشکوه پهای قوی تا ۱۸ ملیارد ستار دیده می شود که ستاره مرکزی بعضی از منظومه های آن چندین هزار مرتبه از خورشید متابزد گتر است.

بین کلیه اجرام سماوی هرگاه از ولگردان آسمان صرف نظر کنیم نزدیک ترین همسایه زمین ماد است. فاصله متوسط این کره مرده از زمین $384,000$ کیلومتر یعنی تقریباً ده برابر محیط استوائی آن می باشد و هرگاه این فاصله را با مسافت دیگر سماوی مقایسه کنیم مقدار بسیار ناچیزی بدست می آید، چه فاصله متوسط خورشید از زمین 149 میلیون کیلو متر یعنی بقریباً 370 برابر فاصله زمین تمام است و این مقدار در مقابل فاصله ستارگانی که نور آنها پس از میلیونها سال بزمین میرسد به بیچارجه قابل مقایسه نیست، بنا بر این دروز یکه بشر بتواند به سوی کره ماه حرکت کند، باید گفت قدم بسیار بسیار کوتاهی بسوی عالم ستارگان برداشته است.

قطر ماه ۳۶۷۳ کیلو متر یعنی بیش از ربع قطر کره زمین و با ۱۰٪ قطر خورشید میباشد و هر گاه در موقع بدر بزرگی ماه، باندازه خورشید در نظر مامنجم میگردد بعلت نزدیکی فاصله آن است بزمین، چه هر گاه ماه هم باندازه خورشید از زمین فاصله داشت ای نهایت کوچکتر از امروز بنظر میرسد. در آسمان از لحاظ روشنایی ماه دومین کره سماوی است، ولی همه می دانیم که روشنایی آن از خودنبوده و بر اثر انعکاس نور خورشید است، چه مهتاب نور دست دوم اشعه خورشید است و بهمین جهت مانند اشعة اولی خورشید گرم و سفید نمی باشد.

برای مسافرت به ماه، اگر میتوانستیم با هوای بیمائی بسرعت ۶۰۰ کیلومتر در ساعت حرکت کنیم، فاصله زمین تا ماه را در ۲۶ روز و هر گاه با سرعت گلوله ای که در هر ثانیه یک کیلو متر حرکت کند، مسافرت کنیم در مدت ۴ روز انجام می گیرد.

شاید تاکنون حکایاتی از مسافرت به ماه خوانده و یاشنیده باشید ولی همه میدانیم که واقعاً کسی تاکنون بدانجا نرفته است و کلیه حکایات مسافرت به ماه داستانهای خیالی بیش نمی باشد، زیرا تاکنون کسی توانسته است دستگاهی را که بتواند با سرعت لازم از زمین فرار نموده و به ماه رسداخtraع کند، چه هر گاه قوّه جاذبّه زمین را کنار بگذاریم دستگاهی که اینکار را میتواند انجام دهد باید سرعتش در هر ثانیه ۱۱ کیلومتر باشد و این سرعت بمراتب بیش از سرعت گلوله است که از دهانه تفنگ خارج میگردد.

از طرف دیگر بفرض اینکه هوای بیمائی دارای چنین سرعتی باشد هر گز نمی تواند به ماه برسد زیرا قشر هوایی که اطراف زمین را احاطه کرده نست بیش از چند صد کیلومتر نبوده و بالنتیجه قسمت زیادی از فاصله زمین تا ماه باید در خلاطی شود و بطوریکه همه میدانیم هوای بیمائی نمی تواند در خلاء پرواز کند

با وجود اینکه تا کنون کسی ماهرا از نزدیک مشاهده نکرده است معاذالک علمای نجوم در باره این کره بقدرتی تحقیق و جستجو کرده اند. که ما میتوانیم بهره‌ولت تصویر خیالی آنرا در پیش خود مجسم کنیم.

دیداری ازمه - نبودن هوا در ماه چه تغیراتی را با وجود می آورد؟ اکنون فرض می کنیم که شما و چند نفر از رفقاء شما با یک دستگاه خیالی که با فراغ خاطر شمارا از هزاران کیلو متر خلاء موجود بین زمین و ماه عبور می‌دهد، در شرف رسیدن به ماه می باشید.

موقعی که مشاهده می‌کنید به ماه نزدیک شده اید بعلت نبودن فرودگاه از خلبان سیوان می کنید: آیا برای فرود آمدن سطح ماه باید چتر نجات را باز کرد و پائین پریم؟ او بشما خواهد گفت متاسفانه چتر نجات نمیتواند کمکی بشما کند زیرا به من سرعت که با چتر نجات پائین می آید، بدون آن نیز با همان سرعت فرود خواهد آمد، زیرا هوایی در آنجا موجود نیست که چتر نجات را با هستگی بطرف سطح ماه شناور سازد.

شاید ما از همان موادی که زمین را بوجود آورده است درست شده باشد ولی ماه باندازه‌ای کوچک است که نیروی کشش آن نمی تواند جوی رانگاهداری کندولی میتوان حدس زد که میلیارد ها سال قبل ماه دارای هوابوده و مدتهاست که آنرا از دست داده است. خوشبختانه دستگاه خیالی بدون خطر فرود می آید. بمحض خروج ابتداء منظره آسمان دقت شمارا جلب می کند زیرا برخلاف آسمان زمین، ستارگان و خورشید را مشاهده می‌کنید که باروش خاصی می درخشنده‌ولی آسمان کامل‌لتاریک است زیرا هوای وجود ندارد که آسمان را آبی نشان دهد و نور خورشید را پراکند و ستارگان را هنگام روز از نظر پنهان کند.

سپس از دستگاه خارج می‌شوید در حالیکه در پشت شما ظرف محتوی هوا وجود دارد برای اینکه بوسیله آن تنفس کنید. همچنین لباس مخصوص دیگری

که شما را از کلیه عوامل ماه که بازمیں اختلاف دارد، خواهید پوشید ولی باید دانست پیش‌بینی لباسی که شمار از کلیه خطرات ماه محفوظ بدارد خیلی مشکل است یکی از خطرات روی ماه مغلوب شدن شماست بوسیله گرما و یاسرمای هر ناحیه‌ای از سطح ماه که بایی نهایت گرم است و یا خیلی خیلی سرد، زیرا چون شکل ماه مانند زمین کروی است در هر لحظه تنها نور خورشید به نیمی از آن میرسد و بدین ترتیب همیشه نصف ماه روز و نصف دیگر شب است.

هنگامی که آفتاب بسطح ماه می‌تابد آن قسمت بینهایت گرم است چه هر گاه شما میزان الحرارت‌ای را با خود داشته باشید ملاحظه می‌کنید که در آفتاب ۲۰۰ درجه را نشان میدهد. درجه حرارت قسمت دیگر که نور خورشید با آن نمیرسد، نیز بهمان اندازه خطرناک است. در این محل هر گاه وسیله‌ای برای دفاع نداشته باشید بزودی بردهای بخسته تبدیل خواهید شد. درجه برودت در این قسمت نیز به بیش از ۲۰۰ درجه زیر صفر میرسد.

هر گاه ماه هم مانند زمین دارای هوای بود درجه حرارت آن با وضع فوق کاملاً اختلاف داشت. پس نظر بینکه نسیم خیگی در آنجا وجود ندارد که درجه حرارت را هنگام روز پائین آورد و پوششی از هوای مرطوب نیست که عمل پتوئی را هنگام شب انجام دهد لذا بین روز و شب اختلاف درجه فوق العاده ای مشاهده می‌گردد.

در ماه آب وجود ندارد، بهمین لحاظ باید آب ذخیره‌ای را که همراه دارید نهایت موازنی بگیرد که هر گاه آرا در ظرف مخصوصی نگاه ندارید بطور حتم بازودی بخار می‌شود و یا یک قطعه بخ تبدیل می‌گردد.

خطر دیگری که باید بوسیله لباس مخصوص مرتفع کنید، خطر انفجار شماست و این خطر بعلت فشار هواست.

همه میدانیم که در زمین یک اطاق هوا وزنی ندارد ولی فشار آن مساوی

۷۶ سانتیمتر مربع جیوه است. عملت عدم توجه ما باین فشار عادت نهادست با آن و در زیر آن خرد نمی‌شویم از این لحاظ که فشار هوا و عمل متقابل خون و سایر سلولهای بدن این فشار را خنثی می‌کند.

کم و زیاد شدن این فشار باعث ناراحتی و بعضی امراض میگردد، مثلاً اشخاصی هستند که در کوهستانها خیلی راحت زندگانی می‌کنند ولی بعض اینکه بنقاط پست که فشار هوا زیادتر است بروند احساس سرگیجه، تغیر فشار خون و ناراحتی های در گوش می‌کند.

اشخاصی که خون دماغ میشوند بعلم فشار خونی است که دیوارهای مخازن خون را که در دماغشان می‌باشد پاره نمی‌کنند پاره شدن این مخازن بواسطه کمی فشار هوای خارجی است.

کلیه اثرات فوق به رتبه بدتر در ماه موجود است زیرا در آنجا به چوچه هوا وجود ندارد. هر گاه لباس محافظت شما نباشد بدن شما باد کرده و پرده کوشنان پاره خواهد شد و حتی بعضی از مخازن خون شما خواهد ترکید و شما در واقع منفجر می‌شوید.

لباس شما باید طوری باشد که فشار کافی بر بدنتان وارد آید تا زندگانی این لباس محافظت شما طوری باید باشد که حتی گوشهای شمارا پوشاند ولی اگر هم پوشاند شما در ماه هیچ صدائی را نخواهید شنید، زیرا که در آنجا هوا وجود ندارد که صدای را انتقال دهد. رفقای شما نمی‌توانند شمارا صدا بزنند و حتی اگر دستگاه خیالی ماغفلتا منفجر شود، افجع را می‌بینید اما صدای آنرا به چوچه نمی‌شنوید. باید دانست که در ماه سکوت مطلق حکمفر ماست.

در سیاحت روی ماه غیر از خورشید و ستارگان کره بزرگ دیگری را می‌بینید که تصور می‌کنید ماه است، در حالتی که ماه نیست زیرا خود شماروی ماه می‌باشد ولی کمی پس از دقت متوجه می‌شوید که زمین است؛ از روی ماه زمین را نیز

ماهند ماه با همان حرکت و اشکال ولی بزرگتر ملاحظه می‌کنید.

ضمن سیاحت بزودی متوجه می‌شود که ماه دنیای مرده‌ای بیش نیست، انری از نباتات و حیوانات در آن دیده نمی‌شود زیرا با فقدان آب و هوای هیچ نوع موجود زنده‌ای نمی‌تواند در آنجا وجود داشته باشد. شما تعجب می‌کنید از اینکه سطح ماه صاف و درخشان نیست زیرا موقعی که در زمین بودید تصویری کردید چیزی مانند آینه است که نور خورشید را منعکس می‌سازد و در تیجه، آنرا هنگام شب در آسمان صاف مشاهده می‌کنیم.

جایی که دستگاه خیالی، پائین آمد کاملاناصاف نیست اما مانند آینه هم نمی‌باشد. زمین ماه در زیر پای شما رنگ خاکستری‌ریه را دارد، یعنی همان رنگی که خاکستر های ذغال سنگ پس از سوختن دارا می‌شود.

پس از آنکه کی گردش بزودی ملاحظه می‌کنید که آن قسمت از سطح ماه خیلی ناهموار است و در اطراف شما کوههای می‌باشد که بعضی از آنها مرتفع و دارای قله‌های تیز و دندانه دار می‌باشد.

ممکن است بیاد آورید لکه‌های را که از زمین در سطح ماه میدید، در این موقع یکی از رفای شما بین فکر بی برده و با شاره شماره متوجه می‌کند، زمین همواری که دستگاه خیالی ماروی آن فرود آمده است یکی از آنها می‌باشد.

قدما خیال می‌کردند که این لکه‌های تاریک در باب این ماه می‌باشد و بهین لعاظ با آنها اسمی دریای آرام و دریای رگبار وغیره را داده بودند ولی شما در روی ماه هستید و می‌بینید که آن در باباها جلگه‌های بی آب و غلیقی بیش نمی‌باشد.

ضمن سیاحت خود بار قفا بطرف کوههای بلند می‌روید، ضمناً بیک حفره بزرگی بر می‌خوردید که پهنه‌ای آن در حدود ۸ کیلومتر است و مسلمان نمی‌توانید از روی آن پریده و یا باسانی کرد آن گردش کنید، ناچار برای تماشای آن با دستگاه خیالی از روی ماه پرواز می‌کنید و بطور عمودی روی آن حفره قرار می‌گیرید ولی بزودی متوجه می‌شود که صدها از این حفره‌ها که دهانه‌های آتش نشانی می‌باشند مشاهده می‌کنید ولی دود بالا ای از آنها بیرون نمی‌آید.

ضمن سیاحت در جو ماه بهیچوجه پارچه ابری ملاحظه نمی‌کنید زیرا در آنجا آبی نیست که تشکیل ابر بدهد. رفاقتان بشمامیگویند که تنها یک کار در ماه پیش یعنی پیش ساده است و آن جوشناسی است چه علم جوشناسی در آنجا با چند کلمه زیر آموخته می‌شود: هرگز باد و باران و برفی در آنجا وجود ندارد، روز پیوسته صاف و گرم و شب همیشه صاف و سرد است.

شما بزودی از دیدن کوههای خالی و دهانه‌های آتش‌فتانی و جلگه‌های تیره‌خاکستری خسته خواهید شد و ناچار فرودمی‌آید.

احساس خستگی می‌کنید، باعجله برای نوشیدن جرعه‌ای آب می‌خواهد از آبی که در ظرفتان دارید بوسیلهٔ نی استفاده کنید، بدون توجه نی را در آب فرو می‌برید ولی متأسفانه حتی یک قطره آب هم از میان نی بی‌لامنیماید زیرا باز فراموش کرده‌اید که در ماه هوایی موجود نیست تا آبرا در نی بالابراند آنوقت ناچار بطری را سرازیر می‌کیرید که آبرا در لیوان بربزید ولی چون گردن باریک است آب مانند شربتی بسیار غلیظ جاری می‌گردد زیرا هوایی وجود ندارد که ضمن فروریختن آن گاهی مانع شده و آب بطور متناوب گیلاس را بر کند.

ضمن پائین آمدن از دستگاه خیالی از روی یکی از تپه‌های آن بزمین می‌پرید و رفاقتان از طول پرش شماته‌تعجب می‌کنند چه حداً کثیر پرش شماره زمین می‌کمتر بوده ولی حالاً ۶ متر را باسانی پریده‌اید. سپس پرش ارتفاع را امتحان می‌کنید باز ملاحظه می‌کنید که ۶ برابر پرش شماست در زمین. هر گاه ساختمان یک طبقه ایکه ارتفاع آن ۶ متر باشد در آنجا وجود داشت باسانی از روی آن می‌پرید. البته نباید تعجب کنید که یک کار فوق العاده‌ای انجام داده‌اید زیرا قوه‌جاذبه ماه ۶ مرتبه از زمین کمتر است و بدین لحاظ پرش شما در آنجا ۶ برابر پرش طول و یا ارتفاع شماست از سطح زمین. این مطلب وقتی برای شما بیشتر واضح می‌گردد که غفلتاً یکی از رفاقتان شما لغزیده و بزمین بی‌فتد، بکمکش می‌روید و متوجه

می شوید که بلند کردن او چقدر ساده و آسان است زیرا وزن او در ماه سبکتر شده است : از سبکی او تعجب کرده سیوال می کنید چقدر وزن دارد ؟ ، او میگوید وزن من در زمین ۶۶ کیلو گرم بوده در حالتیکه حس می کنید بیش از ۱۱ کیلو گرم وزن ندارد .

پس از مدتی بفسکر توبی میافتد که از زمین با خود همراه آورده اید . با اشاره بازی بیس بال را بر فایتان بیشنهاد می کنید و پس از مرتب شدن بازی ، توب را بطرف یکی از رفای خود پرتاپ و سعی می کنید که پرتاپ شما درست باشد ولی متساقانه خیلی بالاتر از سر کسی که در نظر داشتید عبور می کند و در مسافت بسیار دوری بزمین میافتد . از این امور تعجب می کنید در حالتیکه توب پرتاپ شده است چه قوه جاذبه ماه روی توب خیلی کمتر از قوه جاذبه زمین است نسبت باان . بزودی از این بازی خسته می شوید چه در موقع پرتاپ توب آنقدر دور می رود که شما مجبورید برای آوردن توب یامدتی بازی را تعطیل کنید و بالشگیری را برای آوردن توب مراقب بگذارید . صرف نظر از این زحمت بزودی از این بازی متنفر می شوید زیرا الذت بازی بیس بال بسر و صدای آن است در حالتیکه این بازی در ماه هیچ گونه سرو صدائی ندارد و حتی شما نمیتوانید با رفری در مورد لزوم طرف شوید .

یکی از رفای شما بطرف دستگاه خیالی ، می رود و ناگهان از نظر نا بدید می گردد . شما فکر می کنید که بطور قطع انگشت حضرت سلیمان را در انگشت کرده یا علم سحر و جادوئی یاد گرفته است ، در حالتیکه او بطور عادی به عقب دستگاه رفته و در سایه آن واقع شده است چه در ماه حد فاصلی بین سایه و روشن نمی باشد و سایه های آن کامل تاریک است زیرا که در آنجا هو او گرد و خاک و رطوبتی نیست که اشعه آفتاب را منع کس کند و بانتیجه هر شیئی که در سایه جسمی قرار گیرد از نظر مخفی می گردد .

گاهگاهی متوجه میشود که سنگهای کوچکی باندازه یک نخود نزدیک شما میافتد و در زمین ماه فرو میروند: این سنگهای کوچک همان شهابهای میباشند که اگر بطرف زمین میافتدند برادر مقاوت هوا آنقدر گرم میشدن تامشتعل و سپس متلاشی میگردیدند چنانچه افتادن این شهابها در شب باعث میگردد که یک اثر روشناهی بشت سر خود باقی گذارند و ای نظر یا شکه در ماه هوائی وجود ندارد شهابهای آن گرم و متلاشی نمیشوند، موقعی که شهابها بهما بر میخوردند در سطح آن فرو رفته و بالنتیجه میتوانند خسارت زیادی وارد کنند. بهین جهت لباس‌های محافظت باید طوری تهیه شود که از این خطر نیز جلوگیری کند.

عدم‌هوا باعث خطر دیگری نیز میشود. هنگامی که شمادر سطح ماده مقابله خود شید حرکت میکنید تحت اشعه و دای بنفش قرار خواهد گرفت. این اشعه کاملاً کشنده است و دو سطح زمین هوای آن مانع عبور مقدار زیادی از این اشعه میگردد و ای در ماه چون هوا وجود ندارد و شما تحت تابش مستقیم این اشعه قرار میگیرید، بزودی ملتهبت خواهید شد. که در تهیه لباس محافظت جلوگیری از این خطر را نیز باید پیش‌بینی کرد.

موضوع دیگری که در ماه چلب نظر شمارا میکند شبانه روز ماه است چه شبانه روز آن خیلی طولانی تراز زمین و بعض ۲۴ ساعت، طول یک شبانه روز در کره ماه تقریباً یک ماه است و شما باید دو هفته صبر کنید تا اینکه غروب آفتاب را ببینید، البته در صورتی که محل خود را در سطح ما تغییر ندهید. چون طول یک روز ماه خیلی زیاده است و در این مدت میتوانید قسمت‌های مختلف ماه را مشاهده کنید لذا از این توقف طولانی خسته شده و بزودی سوی زمین مراجعت میکنید.

افسانه‌های راجع باشکال‌ماه - از مدت‌ها پیش مردم نسبت باشکال مختلف ماه در حیرت بودند و نمی‌فهمیدند که چرا ماه شکل خود را عوض می‌کند و بچه علمت گاهی اصلاً وجود ندارد زیرا آنها نمی‌توانند دلائل منطقی برای تغییرات ماه

دریابند، بهمین علت برای راضی کردن خود، درباره این تغییرات افسانه هایی درست کرده اند که بعضی از آنها را ذکر می کنیم.

مردم کامبیا هیگویند که در قدیم در زمین زنی بوده بنام هایا کاو شوهری داشته است بنام بو چیکا. بو چیکا نسبت بزمین خوبی میکرد و مردم رانچ گونگی زراعت مزارع و کاشتن دانه ها هدایت مینمود و لی بر عکس های ایکا علاوه بر این که کمکی نمیکرد نیجه اعمال بو چیکا را نیز فلنج می نمود. بدین ترتیب که مزارع را خراب میکرد و بر اثر طغیان رودها محصولهای کشاورزی را ازین میبرد و بدینوسیله مردم را محبور میکرد بگو هستانها فرار کنند. بالاخره بو چیکا عصبانی شدو او را از زمین راند و حالا هایا کادر آسمانها سرگردان و تنها مانده و ماهی یکدفعه از خجالت روی خود را از مردم پنهان میکند.

هندیهای ساکن (مرکز اتازونی عقیده دارند که کوچک شدن ماه بعد از بدر بر اثر دندان زدن موشهای آسمان است زیرا که آنها می ترسند این ماه آنقدر بزرگ شود که مراحم زمین گردد لذا آنرا بادندانها یشان ازین می برند! برخی دیگر از مردم، تصور میکنند که ماه بوسیله یک مخلوق عجیب الخلقه ای که در طرف دیگر آسمان موجود و از نظر آنها پنهان است خورد و میشود! در هر ماه این مخلوق عجیب سوراخی در آسمان باز نموده و ماها را میخورد و بعد از ماه دیگری ظاهر میشود و باز آنقدر بزرگ میشود که شکل دایره کامل را پیدا میکند در اینحال عمل فوق از نو تکرار میگردد!

خرافات راجع بهما - در زمان قدیم غالب مردم تصور میگردند که ماه بخصوص هنگام بدر خطرناک است و بهمین لحاظ معتقد بودند که شاید آنها هنگام بدر ماه عقل خود را از دست بدهند و غالبا هم آن عقل ناقص را از دست میدادند البته ماه کمترین تأثیری از لحاظ د بواسیگی مردم ندارد و تنها خیال و تلقین بود که آنها را می عقل میگرد

هم چنین معتقد بودند که خسوف یک اتفاق و پیش آمد بدی است، چنان‌که یونانیهای قدیم در جنگ سیراکوز بعات ترس از مسافرت دریا هنگام خسوف ممنوع شدند چه بسیاری از مردمان ساده که هنوز گرفتن ماهرا بلائی آسمانی تصویر کرده و در این موقع دعا میخواستند و با طشت میزنند و عجب‌تر این‌که بعداً خوشحال‌اند از این‌که عمل آنها باعث از رفتان این امر طبیعی شده‌است.

هر گاه خسوفی در آمریکای جنوی واقع شود طایفه‌ای از هنرمندان که در آنجا سکونت دارند بیل‌های باغبانی خود را برداشتند و با سرعت مشغول کار می‌شوند، زیرا تصویر می‌کنند که ماه از نبلی آنها غضناک شده است و هر گاه آنها زیاد کار نکنند ماه بدینوسیله آنها را تنبیه می‌کنند:

اهالی انگلستان سابقاً تصویر می‌کردند، دیدن هلال نوبدون داشتن پول نقره در جیب نشانه بدینختی است و خیال می‌کردند بهترین موقع برای شمردن پول هنگام ماه نو است و اگر در آن موقع پول‌هایشان را بشمارند هر چه ماه بزرگتر شود پول آنها نیز بهمان نسبت زیاد خواهد شد؛ حتی هنوز هم بیشتر مردم آنسوزمیں دست از این خرافات بر نداشته‌اند.

عده‌ای معتقدند که ماه نورا حتماً باید از روی شانه چپ دید؛ اینها می‌گویند هر گاه کسی ماه نورا از روی شانه راستش بهیند در آن ماه دچار بدینختی‌های زیادی می‌گردد.

عده‌ای معتقدند که باید بطور حتم برخی از محصولات را در تاریکی ماه کاشت در حالی‌که به چوچه تاکنون رابطه ای بین کشت محصولات و نور ماه پیدا نکرده اند که آیا منفعت دارد یا ضرر؟ چه مقدار نور و حرارتی که زمین در عرض سال از ماه کسب می‌کند ناچیز است و در این صورت نور و حرارت ماه برای نباتات فرقی نخواهد داشت که بتاولد یا تابد.

البته پیدا کردن ریشه این عقاید احتمالی است که بطور شروع شده واژه‌کجا آمده

است آسمان نیست. ضمناً از این‌که مردم قدیم غناید عجیبی در بارهٔ ماه داشتند نباید اسباب تعجب ما شود زیرا ماه با تغییر شکل خود حتی از خورشید نیز مرموز تر است ولی تنها موضوعی که باعث تعجب است این‌که چرا مردم امروزه خرافات گذشتگان را باور کرده‌اند؟

در خاتمه بطور کلی در بارهٔ ماه باید گفت که این همسایه‌زمین دارای اثرات زیر است:

- ۱ - مولد جذر و مدادست و از این راه به ماسیار استفاده میدهد.
- ۲ - مولد کسوف است و این امری است طبیعی.
- ۳ - کمک برای اندازه‌گیری وقت و حشیان است.
- ۴ - عمل چراغ بزرگی راهنمکام شب انجام میدهد و آسمان مار از بیانتر می‌کند در حالی‌که کوچکترین صدماًی بمانیم ساند.

دو بایان مقاله آفای مفخم پایان قطمه ذیل را که با موضوع مقاله ایشان بی‌مناسبت نیست درج می‌کنیم

در بیچه آسمان

کان عهد بانشاط و خوشی تو امان گذشت	عهدی‌که طفل بودم بادش بخیر باد
بر خاطرم زقوه وهم این گمان گذشت	یکشب مرانظر بقمر بود و ناگهان
کون آن تو ان بدان طرف آسمان گذشت	کاین‌مه در بیچه ایست ببالای آسمان
تازین بلند طاق معلق تو ان گذشت	لیکن مرا دو بال بباید نو و قوى
وز محنت و کسورد این خاکدان گذشت	بر پشت بام گنبد کیتنی گرفت جای
ادیب طوسی	

